

زنجان، از دیروز تا امروز

تحلیله تاریخچه بر رشد کالبدی و پوییش شهرنشینه در شهر زنجان

دکتر کریم حسین زاده دلیر، استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز
محمد جواد حیدری

اشاره

شکل گیری و تحول شهرها در بستر زمان، ضرورت پژوهش های تاریخی را به عنوان یکی از ارکان طرح ریزی و برنامه ریزی شهری آشکار می سازد. در حقیقت اعتقاد به اینکه با نگاه به گذشته می توان چراغی فراراه آینده ای روشن برداشت، مبین نقش خطیر مطالعات و بررسی های تاریخی در تهیه و اجرای طرح های شهرسازانه است.

شهر زنجان به عنوان یکی از کهن ترین شهرهای فلات ایران، به لحاظ مطالعات تاریخی کمتر مورد توجه محققان و مورخان قرار گرفته است؛ حال آنکه رخنمایی تحولات تاریخی شهر در سیمای کنونی آن و نقشی که در اجرایی کردن طرح ها و برنامه های شهرسازانه دارد، بررسی های تاریخی شهر را ضروری می نماید. مقاله حاضر تلاشی است هر چند کوتاه در این راستا.

کلیدواژه ها: زنجان، شهرنشینی، تحولات کالبدی، تاریخ

مقدمه

یکی از تحولاتی که در گذر زمان رخ داده، پیدایش و ایجاد شهرها و در حقیقت «انقلاب شهرنشینی» است که باید آن را نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی انسان به شمار آورد. گام های اولیه در نیل به شهرنشینی با افزایش جمعیت و سپس تشدید بهره برداری از محیط همراه بود. انقلاب شهرنشینی، به اذعان اکثریت قریب به اتفاق مورخان، انقلابی عظیم در زندگی بشر بود که موجب ایجاد و گسترش شبکه های از روابط اجتماعی شد. از آنجا که فضای امروز شهر پیوندی تنگاتنگ با تکامل و شکل پذیری آن در طی زمان دارد، لذا وظیفه جغرافی دان و بررسی های جغرافیایی است که با

شناخت کیفیت ساخت شهر و زندگی مردم در گذشته و حال، روند تحولات آینده شهر را پیش بینی کند و گزینه ترین طرح ممکن را ارائه دهد.

شهر زنجان یکی از شهرهای قدیمی فلات ایران است که دوره های مختلفی از تحولات تاریخی را در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود پشت سر گذاشته و دوره هایی از آبادانی و ویرانی را به خود دیده است. به نظر می رسد که از دیرباز به دلیل قرارگیری در مسیر ارتباطی شرق به غرب به عنوان دروازه ارتباطی این دو بخش ایفای نقش کرده و دارای ارزش و اهمیتی بالا بوده است. با این حال به لحاظ بررسی های تاریخی کمتر مورد توجه محققان و مورخان قرار گرفته است. شاید بتوان دلایل آن را در موارد زیر جست و جو کرد. یکی از این دلایل تخریب کامل شهر در ایلغار مغولان و تاتارها بوده است. گو اینکه شهر مجددا احیا شده و کاملاً از صحنه هستی پاک نگردید، ولی از نظر عقلی و منطقی، شهری که چندصباحی تخریب و تبدیل به مخروبه و بیغوله شده است، چه جاذبه ای برای مورخ و سیاح می توانسته داشته باشد تا زمینه تصنیف و تألیف رساله و کتاب درباره آن فراهم آید. دوم اینکه زنجان در طول تاریخ طولانی خود پایتخت هیچ حکومتی نبوده است تا به لطف آن، مورد توجه مورخان حکومتی قرار گیرد، جز اینکه در برهه ای از تاریخ (زمان ایلخانان) حومه ای کوچک از همسایه پایتختش (سلطانیه) بوده است و صد البته که شهری کوچک بر کرانه پایتختی بزرگ، جاذبه ای برای معطوف کردن توجه مورخان به خود نداشته است. دلیل سوم در انزوای تاریخی شهر زنجان، وضعیت خاص اقلیم و موقعیت اقتصادی و تجاری شهر بوده است، زیرا شهر زنجان با وجود موقعیت چهارراهی و

ممتازش، به دلیل اقلیم سرد و خشک و زمستان‌های سخت و طولانی در طول تاریخ، کمتر از مناطق مشابهی چون ری و قزوین مورد توجه و اقبال قرار گرفته است. از لحاظ صنعتی نیز گرچه **شاردن**، سیاح فرانسوی، از وجود صنعتگرانی در این شهر سخن می‌گوید که امیر تیمور گورکانی آنان را به سمرقند منتقل کرد، با این حال هیچ نشانه‌ای از رواج و توسعه صنایع در سده‌های اولیه و میانی باقی نمانده است.

مجموعه این دلایل و بسیاری دیگر از عوامل که شاید در برهه‌ای از تاریخ وجود داشته‌اند و گذشت زمان زنگان را در زوایای تاریخ قرار داده است، موجب بی‌مهری تاریخ و مورخ نسبت به روشن ساختن جایگاه واقعی و تاریخی این شهر شده است. لذا در این مقاله سعی بر آن است تا با تحلیل تحولات کالبدی و پویای شهرنشینی شهر زنگان در ادوار مختلف تاریخی آن، گوشه‌ای از زوایای تاریخ آن از لحاظ شهرسازی و شهرنشینی روشن شود.

فلسفه وجودی شهر زنگان

شهر زنگان، امروزه، با دارا بودن جمعیتی بیش از ۳۵۰ هزار نفر در زمره شهرهای میانی کشور و مرکز سیاسی و اقتصادی استان است. این شهر در تاریخ طولانی‌اش، دوره‌های مختلف اوج و حوض شهرسازی و شهرنشینی را به خود دیده است، ولی نبود منبع و نوشته مکتوب تاریخی مستقل در مورد زنگان مانع از آن شده است که بتوان زمان و علل ایجاد شهر را به قطع و یقین تعیین کرد. با این حال آنچه مسلم می‌نماید این است که به استناد متون کتیبه‌های آشوری، منطقه‌ای که شهر زنگان در آن واقع شده، در قرن نهم قبل از میلاد «آندیا» نام داشته است و به احتمال زیاد، اقوام ساکن در آن با اقوام لولوبیان و گوتیان مستقر در زاگرس ارتباط داشته‌اند.

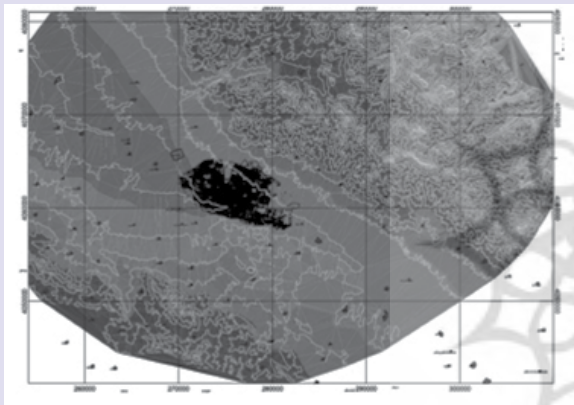
در حدود قرن هفتم قبل از میلاد که دولت ماد بنیان‌گذاری شد، نیمه غربی استان زنگان - از حدود ابهر - در حوزه استحفاظی ماد آروپاتن قرار داشته و نیمه شرقی آن زیر نفوذ ماد سفلی بوده است.

با استناد به گفته **کلاویخو**، مینی بر اینکه «داریوش سوم سپاه خود را از این شهر برای مقابله با اسکندر بیرون آورد» و آثار کشف‌شده از برخی از قبور یک قبرستان تاریخی در منطقه قره پشتلو (واقع در بخش مرکزی زنگان) که شامل گردن‌بندهای طلائی با موتیف گل لوتوس بوده و از موتیف‌های مشخص دوران هخامنشی و قابل مقایسه با نقوش حجاری‌های تخت‌جمشید است، می‌توان به ادعای کلاویخو مینی بر اینکه زنگان پایتخت داریوش هخامنشی بوده است، اعتقاد پیدا کرد، گرچه تاکنون این ادعا سندیت و اعتبار تاریخی نیافته است. آنچه در میان نظرات ارائه شده، اتفاق نظر مورخان را به همراه داشته، ادعای **حمدالله مستوفی**، نویسنده کتاب **زهت‌القلوب** - است که بنای زنگان را به اردشیر بابکان (از پادشاهان ساسانی) نسبت می‌دهد. به‌طور

کلی آنچه از کتب و نگاشته‌های تاریخی برمی‌آید و استنباط عقلانی بر آن صحنه می‌گذارد این است که مجموعه عوامل زیر در ضرورت ایجاد و تداوم حیات زنگان تا به امروز نقش داشته است:

۱. ضرورت وجود شهری به‌عنوان سکونتگاه مردم؛ ۲.
- دسترسی به رودخانه (زنگان رود) و منبع آب مطمئن؛ ۳.
- تأثیر ناهمواری منطقه در نفوذپذیری شهر؛ ۴. عوامل مذهبی و گرایش‌های دینی؛ ۵. حلقه ارتباطی میان فلات مرکزی ایران و آذربایجان؛ ۶. شرایط مناسب منطقه از نظر توپوگرافی؛ ۷. وجود اراضی مسطح با شیب کمتر از ۵ درصد؛ ۸. خواست و اراده شخصی شاه (اردشیر بابکان)؛ ۹. ضرورت وجود زنگان با نقش مکان مرکزی در نتیجه تراکم دهات؛ ۱۰. وجود سفره‌های آب زیرزمینی در این ناحیه؛ ۱۱. وجود اراضی حاصلخیز دشت زنگان و هم‌جواری آن با رودخانه.

نقشه ۱: موقعیت توپوگرافی شهر زنگان



وجه تسمیه زنگان

شاید کتاب **البلدان** ابن واضح یعقوبی (متوفی ۲۷۳ق) قدیمی‌ترین نوشته تاریخی باشد که از زنگان به‌عنوان شهری در مسیر جاده دینور به تبریز یاد کرده است. نویسندگان بعدی نیز به کرات از این شهر نام برده‌اند، ولی همه آن‌ها فاقد نکته جدید و بدیع‌اند و نمی‌توانند پایه‌ای برای مطالعات شهرسازی و شهرنشینی شهر قرار گیرند.

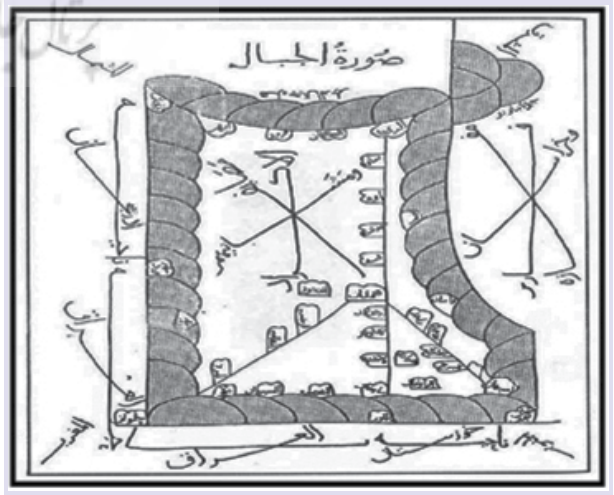
تنها مورخ و جغرافی‌دانی که به تفصیل از زنجان سخن رانده، حمدالله مستوفی (مورخ و جغرافی‌دان سده هشتم) نویسنده کتاب *نزهت‌القلوب* است که ذیل مدخل زنجان می‌نویسد: «زنجان از اقلیم چهارم است، طولش از جزایر خلدات (فم) و عرضش از خط استوا (لول)، اردشیر بابکان ساخت و شهین خواندش، دور و باروش هزار گام است.» نویسنده‌ای نیز با تکیه بر همین گفته مستوفی و قراین دیگری چون نام سایان (روستایی در نزدیکی شهر کنونی زنجان)، نام اصلی آن (شهر زنجان) را سئین، شئین، شاهین و شهین حدس زده و آن را به‌عنوان شهر عقاب معرفی کرده است.

در فرهنگ‌نامه دهخدا نیز ذیل کلمه «شاهین» چنین تقریر یافته است: «شهین نام شهر زنگان است و معرب آن زنجان می‌باشد. گویند آن را اردشیر بابکان بنا کرده است. شهری بود بزرگ در میان ری و آذربایجان و وجه تسمیه آن مخفف زندیگان است و زندیگان زنگان شده و دال آن حذف شده است. به‌طور حتم شهر در دوره ساسانی زندیگان نام داشته که به علت کثرت استعمال تخفیف یافته و در دوران استیلای اسلام زنگان نام داشته است و چون در زبان عربی حرف «گ» به «ج» تبدیل می‌گردد، بنابراین کلمه زنگان به زنجان تبدیل شده است.»

تحولات کالبدی و پویش شهرنشینی شهر زنجان در ادوار تاریخی

آن‌چنان که از اشارت‌های مختصر منابع تاریخی برمی‌آید، شهر زنجان هم‌سنگ با شهرهای شناخته‌شده قدیمی ایران است و قدمت تاریخی بسیار دارد، به‌طوری که برخی از منابع تاریخی، زنجان را پایتخت داریوش سوم (هخامنشی) دانسته و معتقدند که وی از این شهر به جنگ اسکندر مقدونی رفته است. این نظر و نظراتی مشابه آن گرچه هنوز در میان منابع تاریخی سندیت نیافته‌اند، ولی می‌توانند گواهی بر قدمت تاریخی

نقشه ۲: نقشه تاریخی جبال از ابن حوقل و موقعیت شهر زنجان در آن



شهر باشند. گرچه در لابه‌لای سطور منابعی همچون *المسالک و الممالک* ابن خردادبه و *استخری*، *حدود العالم من المشرق الی المغرب* (از مؤلفی ناشناس)، *معجم البلدان* باقوت حموی، *تاریخ اسلام* عزالدین علی بن اثیر و *نزهت‌القلوب* حمدالله مستوفی و سفرنامه‌هایی چون *کلایخو*، فرد ریچاردز، *تاورنیه*، *شاردن*، *حاج زین‌العابدین شیروانی*، *سولتیف*، *ادوارد براون*، *مارسل و مادام دیولافوا*، به نام زنجان نیز برمی‌خوریم، ولی این‌گونه اشارت‌ها آن قدر کلی هستند که نمی‌توانند در تحلیل‌های شهرنشینی و شهرسازی تاریخی شهر مورد استفاده قرار گیرند.

قلت منابع تاریخی مطالعاتی به لحاظ گسترش شهر فعلی که منطبق بر شهر تاریخی است، عرصه مطالعات را در حد فاصل اوایل هزاره اول قبل از میلاد تا اوایل دوران ساسانی (اواخر قرن دوم میلادی) تنگ‌تر می‌کند. بدین سبب، سرنوشت شهر در مقاطع زمانی مزبور با مدارک فعلی نسبتاً نامعلوم است. لذا در مطالعه شهر تا دوره مزبور تنها اشارت‌های کلی و گذرای منابع تاریخی و آثار کشف‌شده تاریخی، روشن‌گر گذشته تاریخی تاریخ شهر خواهند بود.

از پیدایش هسته اولیه شهری تا اوایل حکومت سلجوقی

عده‌ای از مورخان شکل‌گیری هسته اولیه شهر زنجان را به دوره مادها نسبت داده و معتقدند ناحیه‌ای که زنجان در آن قرار گرفته، زیر نفوذ مادهای آتروپاتن قرار داشته است و این شهر از جانب آن دولت به‌عنوان مرکز و محل اسکان لشکر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. از سوی دیگر، وجود شواهد و مدارکی همچون پیدایش نوعی سفال خاکستری رنگ - که شاخص اقوام آریایی است - و وجود محوطه‌های تاریخی در گاوآزنگ، قره تپه و منجوق تپه (در فواصل ۴، ۶ و ۱۰ کیلومتری شهر فعلی)، انتخاب محل کنونی زنجان را به‌عنوان نشسنگاه اقوام آریایی در اواخر هزاره دوم قبل از میلاد تأیید می‌کند. استقرار مزبور در ساحل چپ مسیلی که بعدها به خندق حفاظتی شهر تبدیل شده، تکوین یافته است. حدود استقرار شهر در این دوره، در حد شرقی به مسیل - که مانعی طبیعی در جهت گسترش شهر به حساب می‌آید - در حد جنوبی به خیابان امام فعلی، در حد غربی به دروازه رشت فعلی و در حد شمالی احتمالاً به ارتفاعات شمالی شهر محدود می‌شده است.

با توجه به حاصلخیزی منطقه زنجان و نیز موقعیت نظامی آن، جنگ‌های طولانی اشکانیان و ساسانیان با دولت روم بر سر ارمنستان موجب توجه خاص حکومت‌های وقت به شهر زنجان - به‌دلیل قرارگیری بر مسیر آذربایجان و موقعیت پشت‌جبهه‌ای آن - شد.

انحصار تجارت ابریشم به‌دست حکومت ساسانی و نیز توجه خاص ساسانیان به شهرها به‌عنوان مرکز مبادلات تجاری و در

فخرالدوله علی درآمد. در دوره آل زیار، زنجان جزء اقطاع مرداویج و مورد توجه و اهمیت بسیار وی بوده است. از اشارات کلی بالا که در لابه‌لای سطور کتب تاریخی مستور است، گرچه هیچ نشانی از میزان جمعیت شهرنشین و رشد و تکوین کالبدی شهر در خود ندارد، می‌توان به تاریخ پر آشوب شهر پی برد و اینکه تعویض مرتب حکومت‌ها نمی‌توانسته است فرصتی برای رسیدگی و توجه آن‌ها به عمران و آبادانی شهرها فراهم کند.

زنجان در دوره حکومت ترکان

آگاهی ما درباره حیات تاریخی زنجان عصر غزنوی تنها محدود به این گفته اشپولر است که «محمود غزنوی در سال ۴۲۰ ق پسر خود، مسعود را برای فتح زنجان روانه ساخت.»

در دوره سلجوقیان حکومت زنجان همراه با سایر شهرها و آبادی‌های عراق عجم به مغیث‌الدین محمود سلجوقی واگذار شد. با انشعاب سلجوقیان و تشکیل سلسله سلاجقه غرب ایران به مرکزیت همدان، به‌دست فرزندان مغیث‌الدین محمود، زنجان نیز از جمله شهرهایی بود که در درون این قلمرو قرار داشت و به‌دست آنان اداره می‌شد.

حمایت شمس‌الدین ایلدگز (حاکم محلی آذربایجان) از معزالدین ارسلان در سال ۵۵۶ ق موجب شد که وی با به‌دست آوردن حکومت زنجان، اساس حکومت سلاجقه ایلدگز آذربایجان را بنیان گذارد.

به‌نظر می‌رسد زنجان دوره سلجوقی از اعتبار و شهرت بیشتری برخوردار بوده است، زیرا مهم‌ترین مرحله شهرسازی و شهرنشینی در ایران از قرون میانی و با روی کار آمدن سلجوقیان آغاز می‌شود و آرامش سیاسی و رونق اقتصادی ناشی از اقتدار حکومت سلجوقی، زمینه‌ساز یکی از استوارترین دوره‌های حیات شهری شده بود. همچنین آرامش برخاسته از اقتدار حکومت سلجوقی بر امنیت راه‌های تجاری و به‌تبع آن بر رونق تجارت افزوده بود. در نتیجه، شاه‌راه تجاری غرب به شرق و مرکز ایران که در بخشی از مسیر خود از زنجان می‌گذشت، موجب رونق تجارت و شکوفایی بازرگانی در این شهر شده بود. همین رونق تجاری و عبور کاروان‌های تجاری از این شهر و نیز آرامش سیاسی ناشی از حکومت مقتدر مرکزی کافی است تا بپذیریم زنجان این دوره، شهری بزرگ و آباد بوده و بیشترین جمعیت شهری را تا این دوره داشته است.

ضعف سلجوقیان در واپسین سال‌های حکومت آنان موجب شد که تکش خوارزمشاه از ضعف و منازعات سلاطین سلجوقی استفاده کند و در نتیجه سلاجقه ایلدگز آذربایجان و غرب ایران را به زیر سلطه خود درآورد. بعد از بازگشت تکش، میان فرمانروای او و نورالدین گوگجه - که ایلدگزهای سلجوقی او را به فرمانروایی زنجان انتخاب کرده بودند - جنگی صورت گرفت

این میان، موقعیت ممتاز چهارراهی زنجان، آن را به شهری با اهمیت و مورد توجه حکومت ساسانی تبدیل کرد. این نظر زمانی رنگ واقعیت می‌گیرد که در دوره‌های بعد منابع تاریخی خبر از آبادانی و وفور نعمت در زنجان می‌دهند. یعقوبی اشاره می‌کند که در زمان خسرو اول، سراسر ایران به چهار بخش خراسان، خورباران، نیمروز و آذربایگان تقسیم می‌شد. در این تقسیم‌بندی زنجان یکی از پانزده شهرستانی بود که با هم بخش آذربایگان را تشکیل می‌دادند. گرچه این‌گونه اظهار نظرها از بیان دقیق و کمی میزان جمعیت شهرنشین شهر عاجزند، ولی استنباط عقلانی - که یکی از مراجع دریافت واقعیت‌های تاریخی از اشارات تاریخی است - حکایت از اهمیت بالای شهر زنجان در این دوره و نرخ بالای جمعیت شهرنشین به‌دلیل توجه خاص حکومت‌های وقت و رونق تجارت در سایه امنیت ناشی از حکومت مقتدر پدرسالارانه دارد.

اسکان ایلات پنج‌گانه شاهسون، اصانلو، مقدم، بیات و خدابنده‌لو در منطقه زنجان، به جهت وجود اراضی مستعد و لزوم مرکزی برتر برای مراودات اقتصادی و جاذبه‌های محیطی شهر قدیمی، باعث شد که شهر منطبق بر خرابه‌های قدیمی باسازی شود و گسترش یابد. به‌طوری که استخری در کتاب المسالك و الممالک در مورد زنجان این دوره چنین می‌نگارد که «زنجان و ابهر دو شهر کوچک و پر نعمتی هستند که دارای آب فراوان و درختان زیاد و مزارع وسیع هستند و زنجان از ابهر بزرگ‌تر است.»

نگاشته‌های متون تاریخی حکایت از آن دارند که زنجان این دوره شهری متوسط بوده که دورانی از شکوفایی و ناملایمات را به اقتضای شرایط تاریخی تجربه کرده است. ولی استنباط کلی این است که در این دوره چون تا فرسنگ‌ها در جهات چهارگانه شهری معتبر و مهم قرار نداشته، در نتیجه زنجان باید شهری معتبر و بزرگ بوده باشد. با این حال، هنوز فقر اطلاعاتی درباره میزان و رقم جمعیت شهرنشین، تحقیقات تاریخی شهر را آزار می‌دهد.

در قرون سوم و چهارم که هر بخش از سرزمین ایران در دست خاندان و حکومتی محلی قرار داشت، زنجان نیز همچون سایر شهرهای کشور به‌وسیله این حکومت‌ها دست به دست می‌شده و هر روز مجبور به تحمل صدای چکمه‌های نظامیان یکی از این حکومت‌ها در خیابان‌های شهر بوده است. به‌طور کلی زنجان در طی این دو قرن شاهد بیرق حکومت‌های زیر بر دروازه‌هایش بوده است:

حاکم مستقل آذربایجان و ارمنستان با حمله به شهرهای ری، زنجان، قزوین، ابهر در سال ۳۰۴ هجری، شهر را برای چند صباحی از دست سامانیان خارج کرد. در سال ۳۱۶ سایه بیرق زیدی‌ها بر شهر سنگینی می‌کرد. در دوره آل‌بویه زنجان همراه با همدان و قزوین و بنا به دستور عضدالدوله تحت فرمان فرزندان

که در جریان آن گوججه کشته شد و حکومت زنجان برای مدت پنج سال به دست ایدغمش خوارزمشاه افتاد. در این دوره و عمدتاً از آخرین روزهای حکمرانی سلاجقه در زنجان، ظلم و ستم به مردم و آشفته‌گی اوضاع موجب ضعف و زوال اقتصاد تجاری شهر شد و شهرنشینی را دچار رکود نسبی کرد تا در دوره بعد حملات ویرانگر مغولان و تیموریان بیش از پیش رمق از اقتصاد فلج شهر برگردد و آن را به ویرانه تبدیل کند.

زنجان در عصر ایلغار مغولان و تیموریان

زنجان نیز به سان بیشتر شهرهای کشور از ایلغار مغولان در امان نماند و در پاییز سال ۶۱۸ ق سپاهیان سی هزار نفری چنگیز که در پی سلطان محمد خوارزمشاه بود، وارد زنجان شدند و شهر را تخریب کردند. ولی از قراین تاریخی چنین برمی‌آید که منظور از تخریب در این مرحله از حمله مغول، تنها تخریب قلعه و باروی شهر بوده است تا سلطان خوارزمشاه نتواند برای مقاومت، به این شهر عقب‌نشینی کند، به طوری که حمدالله مستوفی باروی ترمیم‌شده شهر را در زمان مغولان دیده و دور آن را اندازه گرفته است و در این باره می‌نویسد: «دور بارویش هزار گام است، در فترت مغول خراب شد.»

به‌طور کلی، عواملی چون شدت خسارت‌های وارد شده به شهر در دفعات دوم و سوم حمله مغولان، انتخاب سلطانی به پایتختی در زمان الجایتو، وضع مالیات‌های سنگین بر کسبه، تجار و کشاورزان به‌ویژه قوانینی چون طرح و تمغا و نیز تصمیمات شخصی خودسرانه و اغلب نامعقول خان مغول، موجب ویرانی شهرها، نابودی شهرسازی و آوارگی شهرنشینان به روستاها شد. در شرایطی که شهر بعد از مرگ ابوسعید (آخرین پادشاه ایلخانی) و از رونق افتادن سلطانیه بعد از مرگ الجایتو، مترصد رونقی دوباره بود، حمله ویرانگر تیمور (حدود ۷۸۶ ق) به سلطانیه و نواحی پیرامونی آن، موجب ویرانی کامل شهر زنجان و از رونق افتادن شهرنشینی شد. به طوری که کلایخو در این باره می‌نویسد: «بیشتر قسمت‌های این شهر غیرمسکون است... گویند در گذشته یکی از بزرگ‌ترین شهرهای ایران بوده است... ما دیدیم که حصار شهر دیگر قابل تعمیر نیست، اما در داخل شهر هنوز خانه‌ها و مساجد بسیاری همچنان استوار و پابرجا بودند و در خیابان‌های آن نهرهایی می‌گذشت، اما همه آن‌ها اینک خشک و بی‌آب‌اند. با این حال، ژان شاردن، سیاح فرانسوی که در سال ۱۶۷۲ میلادی از زنجان دیدن کرد، می‌نویسد: «تیمور نخستین بار که از زنجان عبور می‌کرده، سرتاسر شهر را ویران کرد، ولی در بار دوم یعنی هنگام مراجعت از ترکیه (عثمانی) پس از اطلاع از گذشته درخشان فرهنگی آن، یک قسمت از شهر را دوباره آباد کرد.»

در دوره شاهرخ (پسر و جانشین تیمور) به دلیل توجه او به برقراری امنیت و آرامش و پرهیز از سیاست جنگ‌طلبانه پدر، شهر دوباره آهنگ رشد و شکوفایی کرد، به طوری که در

توسعه‌های بعدی حصار به ارتفاع هشت تا ده متر با دروازه‌های متعدد به دور آن کشیده شد که از معروف‌ترین دروازه‌های آن «دروازه تبریز» در غرب و «دروازه رشت» در شمال بوده است.

زنجان از طلوع صفویه تا غروب زندیه

آرامش و امنیتی که در سایه استقرار حکومت صفوی به وجود آمده بود فرصت بازسازی شهرها را فراهم ساخت. مطالعه آثار تاریخی شهر حکایت از آن دارد که با وجود قدمت چندین هزارساله آن، کلیه آثار تاریخی برجای مانده از گذشته شهر عمدتاً در این دوره و دوره‌های بعد شکل گرفته است؛ که دلیل عمده آن تخریب شهر به دفعات مکرر در ادوار مختلف تاریخی است.

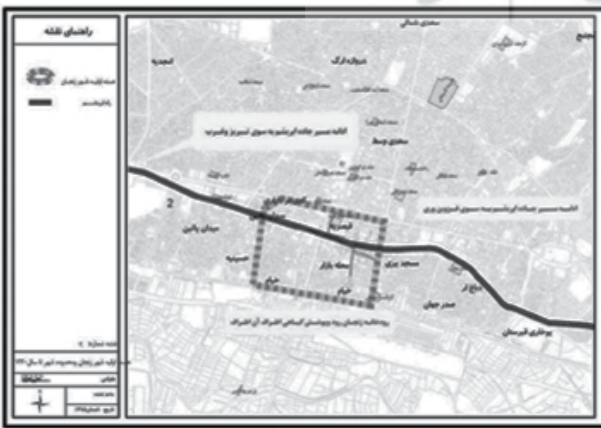
در حقیقت می‌توان گفت که شهر فعلی از دوره صفویه تکوین و توسعه یافته است، زیرا رونق تجاری که در سایه امنیت برخاسته از حکومت مقتدر مرکزی حاصل شده بود، به شهر فرصت ایفای نقش منزلگاهی را داد. همچنین در این دوره، اقدامات عمرانی مفیدی چون احداث جاده سنگی و کاروان‌سرای شاه‌عباسی در شهر صورت گرفت که می‌توان آن را ناشی از گسترش تجارت به‌ویژه تجارت ابریشم و نیز جنگ‌های پی‌درپی و درازمدت دولت با امپراتوری عثمانی دانست.

در این دوره رشد شهر به سمت جنوب (به طرف رودخانه زنجان‌چای) بوده است. شکل‌گیری کوچه‌های تنگ (با عرض حداکثر ۴ و حداقل ۲ متر) پیچ در پیچ و با زاویه حاده در بازسازی و نوسازی شهر در این دوره، حکایت از تأثیر ترس ساکنان از یورش مجدد دشمن دارد، زیرا چنین فضایی فرصت حمله گسترده را از دشمن می‌گیرد و امکان مقابله و سرکوب آن‌ها را فراهم می‌کند.

دوران کوتاه و سراسر جنگ حکومت نادر، مانع از توجه وی به امور شهرها و روستاها شد. حتی اقدامات عادل‌شاه نیز در دوران کوتاه حکومتش، تأثیر قابل توجهی در پی نداشت.

زنجان عصر زندیه را بنا به دلایلی چون گسترش روابط

نقشه ۶: محدوده شهر زنجان در اوایل دوره قاجار



بازرگانی ایران با کشورهای اروپایی، از رونق افتادن روزافزون سلطانی، توان‌های محیطی منطقه و رشد عناصر شهری چون محله‌بندی، مساجد، ارگ و کهندژ باید مصادف با رشد شهر پیرامون خاستگاه اولیه آن دانست. گرچه در مکتوبات مستشرقان غربی - که در این دوره از زنجان دیدن کرده اند - نامی از بازار به میان نیامده، ولی به احتمال زیاد بازار این دوره شامل قسمت‌هایی از جنوب بازار فعلی بوده که در مسیر جاده تهران - تبریز تکوین یافته بود. وسعت شهر در این دوره به حدود سی هکتار رسید که شامل محلات فعلی، حسینیه، نایب‌آقا در اشاقی‌باش و سقّالر و دمیرچی‌لر در یوخاری‌باش می‌شد. مهم‌ترین تحولات کالبدی شهر در این دوره ایجاد حصار، قلعه و خندق در اطراف شهر و توسعه کالبدی شهر به طرف شمال (به دلیل محدودیت‌های توسعه شهر در جنوب آن)، رشد آرام زیرساخت‌های شهری همچون قنوات و کانال‌های آبیاری و تفکیک سنتی کاربری‌های شهری بوده است. وجود شش دروازه به نام‌های رشت، قزوین، همدان، دولت، قلتوق و تبریز حکایت از نامنی و ساختار تدافعی شهر دارد.

زنجان در عصر قاجار

ناحیه زنجان در عصر قاجار به دلیل وجود پنج بلوک در آن، **خمسه** نامیده می‌شد. هر چند حدود و وسعت ناحیه فوق در ابتدای کار قجرها چندان مشخص و معلوم نبود، اما اطلاق نام خمسه برای این ناحیه اسمی با مسما و پرمفهوم بوده است که حدود و وسعت ناحیه را نشان می‌دهد.

زنجان عصر آقا محمدخان، با توسعه نسبی در حد قلعه فعلی، مجموعه بازار را به عنوان قلب اقتصادی شهر به وجود آورده بود. در این دوره شهر به سه محله بزرگ تقسیم می‌شد: «نخست منطقه مرکزی شهر بود که با جای دادن به مراکز حکومتی، اداری و مذهبی موجودیت می‌یافت؛ دوم اراضی و مستحدثات واقع در شرق محدوده مرکزی در مجموعه بازار که تحت عنوان یوخاری‌باش مشخص می‌شد و محل سکونت اقشار مرفه شهر بود؛ و سوم اراضی و مستحدثات واقع در غرب محدوده مرکزی که به نام اشاقی‌باش معروف بود و محل سکونت اقشار مادون اقتصادی شهر بود.»

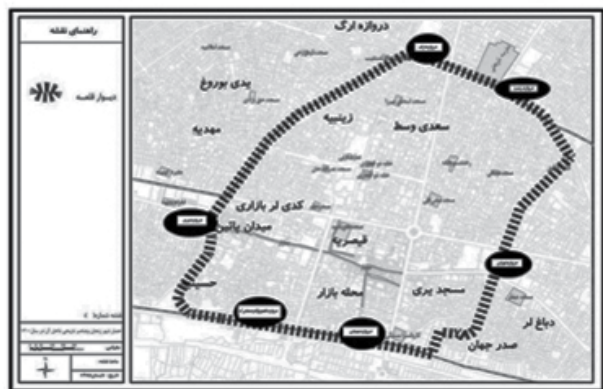
در دوره فتحعلی‌شاه وقوع جنگ‌های ایران و روس و نقش تدارکاتی و پشت جبهه‌ای شهر، آن را محل رفت و آمد سران حکومت کرد. با رشد کالبدی شهر در این دوره، باروی جدیدی بر دور شهر ساخته شد. این بارو محلات تازه‌ای چون مسگرها، مشهدی‌صفر، عباسقلی‌خان در شرق و شمال شرق، دروازه ارگ و سرچشمه در شمال، نصرا...خان و سیدلر در اشاقی‌باش و حسینیه و سقّالر در غرب و جنوب غربی را در برمی‌گرفت که با رشد کالبدی آن به وجود آمده بود. حد شهر در این دوره از طرف شمال به کوچه‌ها و محلات پیرامون خیابان امام، از طرف شرق به کاروان‌سرا سنگی، از طرف غرب به توپ‌آغاجی و از طرف

جنوب به خیابان فعلی خیام محدود می‌شد. در این دوره، شهر دارای شش دروازه با نام‌های دروازه ارگ و دروازه رشت در شمال، دروازه تبریز در غرب، دروازه قزوین در شرق شهر و دروازه قلتوق و دروازه همدان در جنوب بوده است.

زنجان عصر محمدشاه را **آلکس سولتیکف** چنین توصیف می‌کند: «زنجان شهر کوچکی است که منظره ناپاکی دارد، با این حال به نظر من آباد آمد.» **کنت دوسرسی** نیز زنجان این دوره را مرکز ایالت کوچکی دانسته که شش هزار نفر جمعیت دارد. بروز فتنه بای‌ها در عصر ناصرالدین‌شاه و درگیری هشت ماهه آن‌ها با قشون دولتی موجب وارد آمدن آسیب‌های زیادی به شهر شد. مستشرقانی که بعد از این واقعه از شهر دیدن کرده‌اند؛ درباره تأثیرات تخریبی آن بسیار سخن رانده‌اند. برای مثال **ادوارد براون** در این باره می‌نویسد: «با اینکه مدتی از جنگ زنجان می‌گذرد، مع‌هذا هنوز آثار آن بسیار مشهود است، زیرا نه فقط توپ‌های جنگی، بلکه خودبای‌ها نیز برای اغفال قوای دولتی بعضی از خانه‌ها را آتش می‌زدند.» تنها انتصاب **محمود علامیر دولو** ملقب به **احتشام‌السلطنه** به حکومت شهر بود که آهنگ آبادانی را در شهر نواخت، چه آنکه وی فردی نیک‌نفس بود که اقدامات بسیاری جهت زدودن آثار جنگ از چهره شهر انجام داد. دستور به بازسازی شهر توسط **ناصرالدین شاه** زمانی که وی از سفر - سوم - فرنگ برمی‌گشته، سرعت آبادانی در شهر را شتاب بخشید. در این دوره به دستور احتشام‌السلطنه خیابانی از بازار تا دروازه قزوین (خیابان امام فعلی) امتداد داده می‌شود که موجب سهولت در عبور و مرور می‌گردد. همچنین برای توسعه و گسترش شهر اقداماتی در جهت استفاده از الگوهای موجود در شهرهای بزرگ نظیر ایجاد پلیس با لباس متحدالشکل، ایجاد داروخانه و آوردن طبیب متخصص، ساختن قنات و آب انبار شهر انجام گرفت. «**بارتولد و کرزن** به رقم بیست‌هزار نفری جمعیت شهر در این دوره اشاره کرده‌اند.^{۳۳}»

هرچند ورود دوباره نیروهای دولتی در پی مخالفت ملاقرابانعلی زنجانی با انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ ق) موجب

نقشه ۷: حصار شهر و عناصر تاریخی آن در سال ۱۳۰۰



درگیری قوای طرفدار وی با نیروهای دولتی شد، ولی تأثیر تخریبی چندانی در پی نداشت به طوری که **اوژن اوین** که در سال‌های اولیه انقلاب مشروطه از زنجان گذر کرده بود، در مورد آن چنین می‌نگارد: «شهر زنجان در حدود سی‌هزار خانه دارد، ولی منظره آن از بیرون شبیه دهکده‌هایی بود که در سر راه دیدیم ... بازار بسیار پراهمیت و تماشایی است. راسته‌های آن تا وسط شهر ادامه دارند... روبه‌روی مسجد بزرگ... قصر حاکم یا دارالحکومه قرار دارد... این ایالت پرجمعیتی است و در حدود دویست تا سیصد هزار نفر جمعیت دارد.»

به‌طور کلی زنجان عصر قاجار شهری متوسط بوده که حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت داشته و از لحاظ کالبدی نیز با رشدی تا حد دروازه رشت و ارک فعلی - در طرف - به مساحت ۱۸۵ هکتاری رسیده است.

زنجان در عصر پهلوی

استقرار سلطنت پهلوی سر آغاز عصر جدیدی در تاریخ معاصر ایران است، زیرا شروع تحولات شهرسازی و شهرنشینی به مفهوم جدید آن تا حد زیادی مربوط به این عصر است.

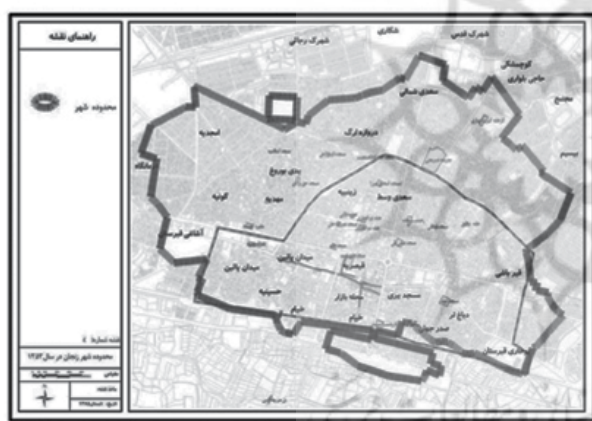
رضاخان در دوره‌ای از هرج و مرج داخلی و با اتکا به نیروی نظامی و با شعارهایی چون برقراری امنیت و حمایت از طبقات مسلط جامعه (شامل مالکان و تجار سوداگر) و تقلید از کشورهای پیشرفته بر سر کار آمد. در این دوره با وجود تحولات اجتماعی و اقتصادی که آبخور رشد عظیم جمعیت شهرنشین شد، نخستین مداخلات در بافت شهر زنجان در دهه اول ۱۳۰۰ هم‌زمان با هجوم موج نوگرایی در خیابان‌کشی‌ها آغاز شد. در این راستا جاده تهران - تبریز که در پی سیاست تقویت جاده‌های بین‌المللی کشور احداث شده بود، با عبور از داخل شهر و امکان دادن به تجارت خیابانی در مقابل مرکز تجارت قدیمی شهر (بازار)، موجب از رونق افتادن آن شد. همچنین در ورودی و خروجی غربی و شرقی شهر بلوارهایی ساخته شدند و کارخانه برق به‌عنوان اولین مظهر زندگی شهری، به‌دست **امیر اشجع اصانلو** در سال ۱۳۰۷ در شهر بکار افتاد. «شروع دخالت‌های کالبدی در شهر و سرمایه‌گذاری جهت احداث کارخانجات و صنایع، احداث راه و خیابان، احداث رختشوی‌خانه، پل سردار، مسجد عباسقلی‌خان، عمارت دارایی، همگی از تحولات مهم شهری این دوره محسوب می‌گردند.»

در سال ۱۳۱۲ اولین طرح توسعه شهر زنجان به انجام رسید. در این دوره خندق‌های شمال شرقی و غربی شهر پر شد و دو خیابان جاوید و استانداری (شمشیری سابق) روی آن‌ها احداث شد. رشد جمعیت شهرنشین (در سال ۱۳۱۷ جمعیت شهر به بیست‌هزار و در سال ۱۳۲۰ به ۳۹۴۵۰ نفر رسید) و ضرورت توسعه کالبدی ناشی از آن، موجب رشد شهر از طرف شرق در محله دباغ‌لار و داوودقلی و از سوی شمال در محله شوقی

تا نزدیکی کارخانه کبریت شد. عامل رشد شهر در این مسیر قنات حاج میربهاء‌الدین و وجود باغات وسیع و تاکستان‌هایی چون باغ‌ملا، قلعه میربها، باغ بخشی و محوطه وسیع کارخانه کبریت‌سازی بوده است. در سمت غرب نیز وجود قنات حاج یوسف عامل عمده توسعه شهر در این سمت بوده است که در نتیجه این توسعه محلات دگرمان‌ارخی، حق‌وردی و جعفریه به‌وجود آمدند تا جایی که محدوده فیزیکی شهر به ۴۶۵ هکتار رسید. در سال ۱۳۱۹ یعنی اواخر حکومت رضاشاه، راه آهن تهران - زنجان تأسیس و دو سال بعد به بهره‌برداری رسید و به یکی از موانع توسعه کالبدی شهر در بخش جنوبی آن تبدیل شد. به همین دلیل توسعه شهر بیشتر در جهت شرق، شمال و غرب آن صورت گرفت.

خیابان‌های فردوسی و سعدی در سال ۱۳۲۰ احداث شد و اولین سرشماری رسمی جمعیت شهر در این سال (۱۳۲۰) صورت گرفت که بر اساس آن، زنجان ۳۹۴۵۰ نفر جمعیت داشت. وقوع جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴ - ۱۳۱۸) زنجان را همچون

نقشه ۹: محدوده و محلات شهر زنجان در سال ۱۳۵۳



اکثر شهرهای کشور جولانگاه نیروهای خارجی ساخت و حضور قزاق‌های روس را برای مدت پنج سال به شهروندان تحمیل کرد. پر واضح است که چنین حضوری علاوه بر تحمیل بار اقتصادی به شهر و سلب امنیت آن، موجب وارد آمدن فشارهای روحی و روانی بسیاری به شهروندان می‌شد و در نتیجه به مهاجرت خیل کثیری از جمعیت شهر به روستاها دامن زد، به طوری که «وقتی مردم شهر پس از آن آوارگی ناخواسته به شهر باز می‌گشتند، زنجان حال و هوایی دیگر داشت. روس‌ها مراکز عمده نظامی، اجتماعی و آموزشی را به تصرف خود در آورده بودند و ادارات دولتی، ایستگاه راه‌آهن، دبیرستان‌ها، پادگان‌ها، کاروانسراها و حتی چند مهمان‌خانه محقر به قرارگاه سربازان روسی تبدیل شده بود». علاوه بر این، درگیری فرقه دموکرات با قوای دولتی - که در نتیجه حضور روس‌ها بر منطقه آذربایجان و زنجان مسلط

شده بودند- باعث وارد آمدن خسارات مالی و جانی بسیاری به شهر شد و با از بین رفتن امنیت شهر و تعطیلی بازار و مغازه‌ها و مهاجرت دوباره شهروندان به روستاها، شهر بار دیگر خالی از سکنه شد.

پس از غائله پیشه‌واری، کم‌کم رونق و آبادانی به شهر باز می‌گردد، به طوری که در سرشماری صورت گرفته در سال ۱۳۳۵ با افزایش ۷۷۰۹ نفری جمعیت شهر نسبت به سرشماری سال ۱۳۲۰، جمعیت شهر به ۴۷۱۵۹ نفر افزایش یافت. در این دوره، مهم‌ترین منطقه گسترش یافته شهر، محله رازبین‌آباد بود که در قسمت جنوبی شهر از مهاجران روستای رازبین تشکیل شده بود.

افزایش شکاف طبقاتی و شکل‌گیری سیمای دوگانه شهری که از آثار و پیامدهای اصلاحات ارضی بود، در زنجان نیز همچون سایر شهرهای کشور شکل گرفت و توسعه یافت. از جمله محلات شکل گرفته در این دوره می‌توان از محلات فقیرنشین جاده‌همایون، صفرآباد، گونیه و رازبین نام برد که اغلب ساکنان آن‌ها را مهاجران روستایی تشکیل می‌داد. شاید کاهش ۲/۷ درصدی متولدین خود شهر- در سرشماری ۱۳۴۵- نسبت به سرشماری دوره قبل (۱۳۳۵) گواهی بر اثبات این مدعا باشد که عامل اصلی رشد جمعیت شهرنشین (شهر زنجان) مهاجرت روستاییان بوده است. به علاوه، تصویب اولین طرح جامع شهر در سال ۱۳۵۳ موجب شکل‌گیری محلات مرفه‌نشین اعتمادیه، دروازه رشت و کوچه مشکی در مقابل محلات فقیرنشین شد تا با تحکیم سیمای دوگانه شهری، ویتترین تمام‌عیار شهر جهان سومی شود.

زنجان از طلوع انقلاب اسلامی تا امروز

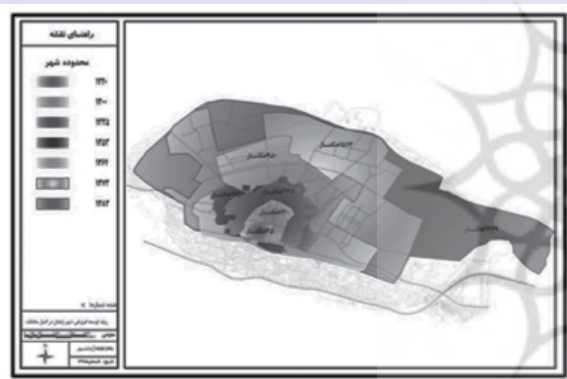
بازتاب فضایی انقلاب اسلامی خیلی سریع‌تر از آنچه باید، نمایان شد، به طوری که حجم وسیعی از تغییرات کالبدی و جمعیتی شهرهای کشور- از جمله شهر زنجان- در این دوره ظاهر شده است، زیرا رشد فیزیکی و جمعیتی شهرها در این دوره مقهور عوامل نیرومند تأثیرگذار قبل و بعد از انقلاب بوده است. اوج‌گیری تبعات سیاست اجرای اصلاحات ارضی، به وجود آمدن شرایط انقلابی در جامعه، تأثیرات ایدئولوژیکی انقلاب، ضعف‌های طرح جامع و ضعف شدید شهرداری در سال‌های ابتدایی منتهی به انقلاب و وقوع جنگ تحمیلی، موجب نواختن آهنگ رشد نامنظم و پرهرج و مرج در شهرها شد، به طوری که رشد کالبدی زنجان در این دوره با رشد ۳ برابری، از ۵۰۰ هکتار به ۱۵۵۰ هکتار تا سال ۱۳۶۴ رسید.

به لحاظ جمعیتی نیز جهش ۱۰۰۳۵۱ نفری جمعیت شهر در سرشماری سال ۱۳۶۵ نسبت به سرشماری دوره قبل (۱۳۵۵)، جمعیت شهر را به ۲۱۵۲۶۱ نفر رساند و با نرخ رشد ۷/۹۴ درصدی، بالاترین نرخ رشد تاریخی خود را به ثبت رساند که

عواملی چون افزایش باروری، توصیه به باروری در طول جنگ تحمیلی، کاهش مرگ‌ومیر و مخصوصاً سیل مهاجرت روستاییان به شهرها در آن دخیل بوده‌اند. از تبعات و تداوم چنین رشد جمعیتی، زایش بخش‌های جدید مسکونی چون نجف‌آباد (بیسیم)، مهدیه، صفرآباد، ترانس و... با ویژگی‌هایی چون استفاده از مصالح سنتی و آسیب‌پذیر در برابر مخاطرات طبیعی، تبعیت از شیب طبیعی زمین، بافت ریزدانه، ناهماهنگ و آشفته در محدوده‌های خارجی شهر بود.

در این راستا برای ساماندهی و توسعه موزون شهر طرح جامع (۱۳۶۵) و تفصیلی (۱۳۶۸) شهر - به دست مهندسان مشاور شارمند- تهیه شد. البته «محاسبات اشتباه شارمند در بخش جمعیتی و توجه تام به نرخ رشد جمعیتی دهه ۵۵-۶۵ به مقدار ۷/۹ درصد رشد سالیانه باعث شد، با پیش‌بینی ۴۲۰ هزار نفر جمعیت در افق طرح در سال ۱۳۷۸، مساحت این شهر از ۱۲۷۰ هکتار به ۴۲۸۰ هکتار افزایش یابد.» در حالی که

نقشه ۱۰: محدوده شهر زنجان در سال ۱۳۸۵



در سال ۱۳۸۵ (هفت سال بعد از افق طرح) شهر ۳۴۹۷۱۳ نفر جمعیت داشت، یعنی اختلافی نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر با جمعیت پیش‌بینی شده در افق طرح. در این مرحله با اضافه‌شدن بخش‌های جدیدی چون منطقه جنوب شرقی (شهرک دکتر بهشتی)، اراضی پلاک ثبتی ۵۲۱۵-۵۲۱۴ (موسوم به اراضی نجفی)، منطقه سرچنگل‌داری، شهرک شهدا، توسعه و گسترش منطقه صفرآباد (کوی سعیدیه)، پلاک ۵۳۰۰ جدید (امجدیه)، شهرک قدس، پلاک ۵۲۱۶ (وحیدیه)، اراضی علی قنبری (پلاک ۴۲۵۵/۲)، توسعه کوی اعتمادیه، شهرک شهید رجایی، کوی فرهنگ (علی‌آباد)، توسعه شهرک کارمندان، کوی قائم، اراضی پایین‌کوه، شهرک ولیعصر، شهرک آزادگان، کوی فجر، کوی نصر، شهرک الهیه، زیبا شهر، شهرک امیرکبیر، شهرک بهارستان و شهرک لاله به کالبد شهر، مساحت آن به ۴۸۳۴/۷ هکتار افزایش یافت. (جدول ۱۰)

جدول ۱: حجم و رشد جمعیت شهر زنجان (۱۳۳۵ - ۱۳۸۵)

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵
شاخص	۵۸۷۱۴	۱۰۰۳۵۱	۲۱۵۴۵۸	۲۵۴۰۸۲	۲۸۶۲۹۵	۳۴۹۷۱۳	
جمعیت	۲/۲۲	۵/۵۱	۷/۹۴	۳/۳۵	۲/۴۲	۲/۱۴	
رشد جمعیت	۱۲/۲۱	۱۲/۵۶	۱۷/۱۶	۲۷/۳۶	۲۹/۶۲	۳۱/۷۵	۵۷
نسبت جمعیت شهر به استان							

نتیجه‌گیری

ضرورت ساخت شهرهای انسان‌محور که موضوع طرح‌ها و برنامه‌های شهرسازانه دهه‌ها و حتی سده اخیر را تشکیل می‌دهد، امکان دستیابی و تحقق نمی‌یابد مگر با عطف به ملاحظاتی تاریخی، زیرا توجه به انسان بدون توجه به گذشته تاریخی او ناقص خواهد بود، چراکه انسان با زندگی در مسیر زمان، تاریخ را شکل داده و هویت بخشیده است. پس انقطاع تاریخی او با گذشته‌اش به معنای بی‌هویت ساختن او خواهد بود؛ چیزی که طرح‌های شهرسازانه سال‌های اخیر، خواسته یا ناخواسته بدان جهت رفته‌اند، غافل از اینکه شهر انسان‌محور و یوتوپیای انسانی ریشه در گذشته تاریخی وی دارد.

نظریه سیر تکامل شهری **پاتریک گدس و لوئیز مامفورد** - که بیانگر سیر تکامل تاریخی شهرهاست - در انطباقی کامل با سیر تکامل تاریخی شهر زنجان است، به طوری که امروزه شهر زنجان با گام‌های سریع در حال عبور از مرحله مادرشهری به کلان‌شهری است و برای آنکه به مراحل تباه شهری و مرده شهری نرسد، لازم است طرح‌های شهری به سیر تاریخی شهر، توجه داشته باشند و مطالعات خود را با توجه به گذشته آن انجام دهند.

منابع

۱. مجیدزاده، یوسف؛ آغاز شهرنشینی در ایران؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
۲. سلطانی، رامین؛ تاریخ زنجان؛ زنجان: انتشارات نیکان کتاب، ۱۳۷۹.
۳. ثبوتی، هوشنگ (ب)؛ بناهای آرامگاهی استان زنجان؛ زنجان: انتشارات زنجان، ۱۳۷۷.
۴. قمشی، علی؛ تاریخ مطبوعات زنجان؛ زنجان: انتشارات نیکان کتاب، ۱۳۸۳.
۵. جمشیدی، حسن؛ تأثیرات ساختی - کارکردی افزایش تراکم بر شبکه حمل و نقل بافت قدیم زنجان؛ زنجان: دانشگاه زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۴.

۶. سلطانی، رامین و فاتح، پریسا؛ زنجان به روایت مینورسکی؛ فصل‌نامه فرهنگ زنجان، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۹.
۷. مستوفی، حمدالله؛ **نزهة القلوب**؛ به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۶.
۸. ثبوتی، هوشنگ (الف)؛ تاریخ زنجان؛ زنجان: انتشارات زنجان، ۱۳۷۷.
۹. حبیبی، کیومرث و پوراحمد، احمد و مشکینی، ابوالفضل؛ از زنگان تا زنجان؛ زنجان: انتشارات دانشگاه زنجان، ۱۳۷۸.
۱۰. مشکینی، ابوالفضل؛ سیر تکوینی شهر و شهرنشینی در زنجان؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۰.
۱۱. مکملی، محمدکاظم؛ زنجان و رشد اداری آن؛ فصل‌نامه فرهنگ زنجان، سال اول، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۱۲. خالقی مقدم، محمد؛ شهر زنجان در دوره خوارزمشاهیان، فرقه اسماعیلیه و چنگیزخان، فصل‌نامه فرهنگ زنجان، سال اول، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، صص ۸۵ و ۸۶.
۱۳. کلاویخو، کنزالله؛ سفرنامه؛ ترجمه مسعود رجب‌نیا؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
۱۴. حبیبی، کیومرث؛ توسعه کالبدی، حفظ، بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری با استفاده از GIS؛ نمونه صوری؛ شهر زنجان؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۵. سولتیکیف، الکس؛ مسافرت به ایران؛ ترجمه محسن صبا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
۱۶. اوین، اوژن؛ ایران امروز؛ ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۶۲.
۱۷. نظریان، اصغر؛ جغرافیای شهری ایران؛ تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱.
۱۸. شاه‌محمدی، ذبیح‌الله؛ تاریخ معاصر ایران (زنجان در جنگ بین‌المللی دوم)؛ فصلنامه فرهنگ زنجان، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۹.
۱۹. تفکری دو بخشی، اکرم؛ تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی نیاز مسکن شهری در ایران؛ نمونه موردی، شهر زنجان؛ زنجان: دانشگاه زنجان، پایان‌نامه کارشناس ارشد، ۱۳۸۶.